

## بمناسبت اول ماه می روز جهانی کارگر

تجلیل از اول ماه می گرامیداشت از مبارزات مترقی و حق طلبانه کارگران جهان است. در تاریخ مبارزات پرولتاریای جهان، اول ماه می مصادف به روزی است که در سال (1886) کارگران (1200) کارخانه در شهر شیکاگو آمریکا با خواست بهبود شرایط کار و تقلیل ساعات کار روزانه (ازده ساعت به هشت ساعت) اعتصاب کردند. کارگران در روز چهارم تظاهرات بزرگی برآه انداخته و روی خواستهای شان پافشاری کردند؛ ولی پاسخ دولت آمریکا بر تظاهر کنندگان این بود که پولیس بر آنها آتش گشود و تعدادی راکشته و زخمی کرده و چهارتن از کارگران را به «جرم» مطرح کردن خواستهای برحق شان بعد از «محاکمه» به اعدام محکوم کرده و آنها را وحشیانه و جنایتکارانه بدار آویخت. بدین لحاظ اول ماه می از یک جهت یادبود از کارگرانی است که بخاطر مبارزه برحق شان توسط طبقه سرمایه دار ستمگر و ددمنش اعدام شدند و از جهت دیگر بزرگداشتی است از مبارزات حق طلبانه کارگران جهان که بنام "روز جهانی کارگر" در سراسر جهان تجلیل می گردد. کنگره بین الملل سوسیالیست در پاریس در سال (1889) روز اول ماه می را بنام روز همبستگی کارگران جهان اعلام نمود و از آن تاریخ تاکنون کارگران و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی و مترقی این روز را بنام "روز کارگر" با برگزاری محافل و برپائی تظاهرات در سراسر جهان تجلیل می کنند. تاریخ مبارزات طبقه کارگر جهان گواهی می دهد که در کشورهای مختلف جهان مبارزات حق طلبانه آنان از طرف طبقات حاکم ارتجاعی مورد سرکوب خونین قرار گرفته است و مثال برجسته ای آن سرکوب خونین کارگران "شهر شیکاگو" توسط دولت آمریکا است. لذا بر روشنفکران انقلابی و مترقی و کارگران آگاه و سایر خلهای زحمتکش در سراسر جهان است تا این روز را هر چه باشکوه تر و گسترده تر در جهت تحکیم اتحاد و همبستگی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان برگزار کنند.

با ظهور مارکسیسم (علم انقلاب پرولتری) و انتشار "مانیفست کمونیست" توسط مارکس و انگلس و تشکیل "اتحادیه کمونیستها" در سال (1847) میلادی و طرح شعار "پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید!" ، عصر جدیدی در مبارزه زحمتکشان جهان علیه طبقات استثمارگر و ستمگرا اعلام شده و مبارزات طبقه کارگر به لحاظ کیفی وارد مرحله نوینی گردید. مارکس و انگلس از بنیان گذاران سوسیالیسم علمی با شرکت در جنبش طبقه کارگر مبارزات این طبقه را برای اولین بار ستمدهی انقلابی و مترقی نموده و مبارزات طبقه پرولتاریا از سطح خواستها و مطالبات اقتصادی و رفاهی و بهبود شرایط کار فراتر رفته و تا سطح طرح مطالبات و خواستهای سیاسی طبقاتی آنها ارتقا یافت. در سال (1864) "انترناسیونال اول" ایجاد شده و هدف آن متشکل شدن کلیه نیروهای مبارز طبقه کارگر اروپا و آمریکا در یک ارتش بزرگ واحد بود. با تکامل کیفی مبارزه پرولتاریا (پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش طبقه کارگر) این مبارزه تا کسب قدرت سیاسی و ایجاد دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی تکامل نمود. پیروزی مبارزات طبقاتی انقلابی طبقه کارگر و کسب قدرت سیاسی و ایجاد دیکتاتوریهای پرولتاریا و تشکیل نظامهای سوسیالیستی و نظامهای دموکراتیک توده ای در قرن بیستم در کشورهای مختلف جهان ثبوت حقانیت مارکسیسم انقلابی است. بعد از پیروزی کوتاه مدت "کمون پاریس" در سال (1871) میلادی، پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر در سال (1917) در روسیه و تشکیل کشور شوراهای ایجاد جامعه سوسیالیستی بزرگترین پیروزی طبقه پرولتاریا بر طبقه سرمایه دار است که ناقوس مرگ سرمایه داری جهانی و امپریالیسم را بصدادر آورد. بهمین صورت پیروزی انقلاب دموکراتیک توده ای در ویتنام شمالی در سال (1945) و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در چین در سال 1949 و پیروزی انقلاب سوسیالیستی در سال (1958) و همچنین پیروزی

انقلاب دموکراتیک توده ای و انقلاب سوسیالیستی در چند کشور اروپای شرقی بعد از جنگ جهانی امپریالیستی دوم و پیروزی انقلابهای ملی- دموکراتیک در کشورهای دیگر. همه این پیروزیهای طبقه کارگر بر این حقیقت استوار است که در بین طبقات خلق زحمتکش، طبقه کارگریگانه طبقه انقلابی است که اگر اندیشه های انقلابی طبقاتی اش را فراگیرد مبارزه انقلابی را تا پیروزی نهائی، یعنی تاسرنگونی دیکتاتوری طبقه سرمایه دار و دیگر طبقات ارتجاعی استعمارگر و امپریالیسم و تشکیل دیکتاتوری طبقاتی اش به پیش می برد.

طبقه کارگر به لحاظ موقعیت اجتماعی و خصلت طبقاتی اش یگانه طبقه انقلابی است. طبقه کارگر فاقد هرگونه مایملک شخصی است و جهت ادامه حیات خود و اعضای خانواده اش به جز نیروی کارش دیگر دستمایه ای ندارد و با فروش نیروی کارش است که می تواند به زندگی اش ادامه دهد. در حالیکه همه ثروتها و نعمتهای مادی جهان حاصل نیروی کار و دسترنج او است؛ ولی خودش همیشه با فقر و تنگدستی و گرسنگی دست به گریبان است. بعبارت دیگر این همه سرمایه و تملک و جایداد که در تصرف و تصاحب عده ای معدودی ز الوصفت و مفتخوار در جهان قرار دارد حاصل ارزش اضافی نیروی کار طبقه کارگر و دسترنج سایر زحمتکشان است که توسط طبقه سرمایه دار و طبقه فئودال غصب شده است. چون طبقه کارگر با صنعت و تکنیک پیشرفته که نتیجه پیشرفتهای علوم است سروکار دارد؛ از اینرو نسبت به دیگر توده های خلق زحمتکش دارای شعور و فهم بیشتری بوده و از روحیه قوی تشکل پذیری و سازمانیابی برخوردار است. اما با وجود این موقعیت طبقاتی و اجتماعی طبقه کارگر، او بگونه خود بخودی به اندیشه های انقلابی طبقاتی اش دست نمی یابد. اندیشه های انقلابی پرولتری توسط روشنفکران انقلابی و مترقی به طبقه کارگر منتقل می شود. در تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی و جنبشهای کارگری تا کنون چنین بوده است. رفیق لنین می گوید: **" ما گفتیم که آگاهی سوسیال دموکراتیک در کارگران اصولاً نمی توانست وجود داشته باشد. این آگاهی را فقط از خارج ممکن بود وارد کرد. تاریخ تمام کشورها گواهی میدهد که طبقه کارگر با قوای خود منحصراً نمیتواند آگاهی تردیونونیستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، برضد کارفرمایان مبارزه کند و دولت را مجبور به صدور قوانینی بنماید که برای کارگران لازم است و غیره. ولی آموزش سوسیالیسم از آن تنوریهای فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشوونما یافته است که نمایندگان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تتبع نموده اند. خود مارکس و انگلس موجدین سوسیالیسم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود در زمره روشنفکران بورژوازی بودند. بهمین گونه در روسیه نیز آموزش تنوریک سوسیال دموکراسی کاملاً مستقل از رشد خود بخودی جنبش کارگری و بمثابة نتیجه طبیعی و ناگزیر تکامل فکری روشنفکران انقلابی سوسیالیست بوجود آمده است (چه باید کرد؟)".**

طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی تردد و تزلزل از خود نشان نداده و در صورت پیروزی انقلاب به خواستهای طبقاتی اش دست می یابد و چیزی جز زنجیرهایش را از دست نمی دهد. شعور و بینش کارگر ناشی از هستی اجتماعی وی است. ولی سایر طبقات زحمتکش چون دهقانان و خرده بورژوازی خاصاً آن بخشهای از آنها که مالک قطعه زمین و یا مالک سرمایه و جایداد کوچک هستند در جریان انقلاب پرولتری از خود تزلزل نشان می دهند. اینها ترس از این دارند که آنچه در تملک دارند از دست خواهند داد؛ از اینرو بعقب می نگرند و تزلزل آنها ناشی از شعور اجتماعی آنهاست که بر پایه هستی اجتماعی شان شکل گرفته است. در تاریخ سرمایه داری جهان طبقه کارگر با تجربه اش درک کرده است که بار فشار هر بحران سرمایه داری در دوره های مختلف بردوش وی است. و هر روز خطر بیکاری و مشکلات متعدد زندگی و گرسنگی وی را تهدید می کند. همچنین او از تجربه اش آموخته است که هر نوع ملاحظه کاری و کرنش در برابر طبقه سرمایه دار نمی تواند او را از خطر بیکاری و گرسنه ماندن نجات دهد؛ از اینرو طبقه ایست متهور که از همه طبقات خلق پیشرو تر و شورشگر تر بوده و دارای ثبات و استقامت شگفت انگیز در کارزار مبارزه طبقاتی

انقلابی است. ولی هستند تعدادی از عناصر مرتد و ارتجاعی که از طریق شبکه های تلویزیونی دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی این ایده و فکر را تبلیغ و ترویج می نمایند که طبقه کارگر باید خودش "فکر طبقاتی" اش را تولید کرده و برپایه آن علیه طبقه سرمایه دار " مبارزه" کند. این قماش از رویزیونیستهای خادم سرمایه داری جهانی و امپریالیسم با شیدای شکست انقلابهای پرولتری در قرن بیستم را مثال آورده و علل و فکتورهای شکست آنها را این طور وانمود می کنند: "چون این انقلاب ها توسط احزاب کمونیستی رهبری شده اند که تعداد کارگران در آنها اندک بوده است و رهبران این احزاب ایده ها و افکار خود را بر کارگران تحمیل می کردند". این دشمنان نقابدار طبقه کارگری خواهند از یکطرف توجه طبقه کارگر و روشنفکران مردمی را از شکست انقلاب های پرولتری توسط انواع رویزیونیسم و اشکال اپورتونیسیم در قرن بیستم منحرف کرده و از جانب دیگر فراگیری علم انقلاب پرولتری (م- ل- م) توسط روشنفکران مردمی و کارگران را امری «بیهوده» وانمود کرده و آنها را به لحاظ آگاهی سیاسی انقلابی خلع سلاح کنند. در حالیکه طبقه پرولتاریا و روشنفکران مردمی فقط با سلاح علم انقلاب پرولتری (مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم) است که می توانند خود و سایر طبقات زحمتکش را از بردگی سرمایه نجات دهند. بعبارت دیگر مبارزات طبقه کارگر و سایر زحمتکشانشان تحت رهبری یک حزب انقلابی پرولتری است که به پیروزی رسیده و از استثمار بی رحمانه و ستم و وحشیانه طبقه سرمایه دار و دیگر طبقات ارتجاعی و امپریالیسم رهائی می یابند.

در تاریخ جنبش کمونیستی جهانی طی دوره های مختلف که این جنبش دچار بحران شده است، جنبشهای سیاسی طبقه کارگر هر چه بیشتر تضعیف گردیده و انواع رویزیونیستها و اشکال اپورتونیسها و ارسطوکراسی کارگری بر جنبشهای طبقه کارگر مسلط شده اند. در چنین شرایطی سرمایه داری جهانی و امپریالیسم هر چه گستاخانه تر خلفهای زحمتکش را خاصاً در کشورهای تحت سلطه در قاره های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین مورد تاخت و تاز و تهاجم قرار داده و بر شدت استثمار و ستم بر آنها افزوده است. همچنین ضعف جنبش کمونیستی انقلابی در سطح جهان زمینه را برای ایدئولوژیهای بورژوازی و انواع رویزیونیستها و اپورتونیسها مساعد میسازد تا با سفسطه بافی و اراجیف گوئی هر چه بیشتر در «عدم کارائی» کمونیسم انقلابی و «جاودانگی» نظم سرمایه دارانه را در جهان تبلیغ کنند. و شکست انقلاب های پرولتری و سرنگونی دیکتاتوریهای پرولتاریا و انهدام نظامهای سوسیالیستی و فروپاشی نظام های دموکراتیک توده ای توسط رویزیونیستها در قرن بیستم از یک جهت اثرات منفی عمیقی بر اذهان طبقه کارگر و سایر طبقات زحمتکش جهان بجا گذاشته و از جهت دیگر این شکستها تمسکی برای ایدئولوژیهای بورژوازی گردید تا هر چه بیشتر اذهان طبقه کارگر را درباره پیروزی انقلابهای پرولتری در آینده و نقش دور انسا از طبقه پرولتاریا در آنها مغشوش سازند.

با شکست انقلاب در اتحاد شوروی در سال 1953 میلادی بعد از مرگ رفیق استالین، بخش بزرگی از اردوگاه سوسیالیستی به پرتگاه ضدانقلاب سقوط نموده و جنبش کمونیستی بین المللی را بحران عمیقی فراگرفت. رفیق مائوتسه دون شکست انقلاب در اتحاد شوروی را بر مبنای دیالکتیک ماتریالیستی مورد تحلیل علمی قرار داده و بر موجودیت طبقات انتاگونیستی و تضادهای انتاگونیستی در دوران سوسیالیسم تاکید کرده و تئوری " ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا" را کشف نموده و آن را در پراتیک مبارزه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی بکار بست. رفیق مائوتسه دون در نیمه دوم دهه (60) میلادی با اتکاء به توده های خلق انقلابی، انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی را آغاز و آنرا رهبری کرده و انقلاب چین، دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را برای یکدهه از شکست توسط بورژوازی درون حزب و دولت (رویزیونیستهای «سه جهانی») نجات داد. توده های خلق چین با شور و هیجان انقلابی در جریان انقلاب کبیر فرهنگی عناصر سرمایه داری را از مقامات عالی حزب و دولت بیائین کشیده و تا حد زیادی حزب و دولت را از وجود رویزیونیستهای مرتد و ضدانقلابی تصفیه کردند؛ ولی اولین انقلاب کبیر فرهنگی

پرولتاریائی به نابودی کامل رویونیسم نه انجامید و بقرار این گفته علمی و انقلابی رفیق مائوتسه دون: " برای حفظ انقلاب پرولتری، دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم تا رسیدن به جامعه بدون طبقه (کمونیسم) به چندین انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی نیاز است". بعد از مرگ رفیق مائوتسه دون در سال 1976 رویونیستهای مرتد و خاین که در درون حزب و دولت مخفی شده بودند و رویونیستهای که در جریان انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی شیدانه بظاهر " از خود انتقاد" کرده و امکان بازگشت دوباره به حزب و دولت را یافتند، بایک کودتای ضدانقلابی همزمان نزدیک رفیق مائوتسه دون بنام «گروه چهار نفره» و صدها کمونیست انقلابی دیگر را دستگیر و به زندان انداخته و یا بقتل رساندند و انقلاب چین، دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را منهدم کردند. رفیق چیانچین بنا بر ماهیت ضدانقلابی رویونیسم و اپورتونیسم و خصلت رویونیستها و اپورتونیستها، درباره «انتقاد از خود» رویونیستهای «سه جهانی» و برگشت دوباره آنها به حزب و دولت چنین گفت: "سگها با امضای یک ورق کاغذ خود را از غرق شدن نجات دادند". همچنین در کشور آلبانی دگمارویونیستهای (خوجه ای) برهبری انور خوجه مرتد و خاین، انقلاب خلق آلبانی و نظام سوسیالیستی را سرنگون کردند. بعد از شکست انقلاب در چین بوسیله رویونیستها دیگر هیچ کشور سوسیالیستی در جهان باقی نماند تا منحصیث پایگاه انقلاب جهانی از جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای کارگری حمایت و پشتیبانی کند.

با سرنگونی انقلاب و انهدام دیکتاتوری پرولتاریا در چین توسط رویونیستهای مرتد و خاین، جنبش کمونیستی بین المللی دچار بحران شدیدی گردید. لیکن جنبش انقلابی انترناسیونالیستی که در سال 1984 تشکیل گردید با ارزیابی از علل شکست انقلابی پرولتری در «اتحادشوری» و چین و کشورهای دیگر و پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی انقلابی (مبارزه "بین دو خط")، چهره سیاه رویونیسم "مدرن (خروشچی)، رویونیسم "سه جهانی» و دگمارویونیسم خوجه ای را افشا کرده و خط ایدئولوژیک - سیاسی را در جنبش کمونیستی بین المللی بر مبنای "مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون" و بعد "م-ل-م" روشن کرد. با آغاز مبارزه انقلابی "جا"، جنبشهای انقلابی پرولتری در کشورهای مختلف جهان رونق گرفته و مبارزات انقلابی تا حد زیادی پیشرفت نمود. جنگ خلق "راه درخشان" در پیرو تحت رهبری حزب کمونیست پیرو (م-ل-م) برهبری رفیق "گونزالو" آغاز گردید و تا اوایل دهه نود میلادی به پیشرفتهای قابل ملاحظه ای دستیافت. اما با دستگیری و حبس گونزالو در اوایل دهه نود میلادی و خیانت رویونیستهای "آسومیر" جنگ خلق تضعیف شده و فروکش کرد. جنگ خلق در نیمه دوم دهه نود میلادی در کشور نیپال تحت رهبری کمونیست نیپال (مائونیست) آغاز گردیده و طی یکدهه به پیشرفتهای قابل ملاحظه ای دستیافت و جنگ به مرحله تعادل استراتژییک رسیده و هسته های قدرت خلق در بخش وسیعی از این کشور ایجاد شده و تقریباً هشتاد درصد رقبه خاک نیپال زیر کنترل و نفوذ ارتش انقلابی خلق قرار گرفت. با سقوط رهبری حزب کمونیست نیپال (مائونیست) در رأس آن "پراچندا" مرتد و خاین در پرتگاه رویونیسم و تسلیم طلبی در سال (2005)، انقلاب خلق نیپال به شکست کشانده شده و اکثریت احزاب و سازمانهای عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی "جا" در برابر سقوط رهبری حزب کمونیست نیپال (مائونیست) در پرتگاه رویونیسم، موضع اپورتونیستی اتخاذ کردند و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی دچار بحران عمیق گردید. شکست انقلاب در نیپال و ختم جنگ خلق و تسلط اپورتونیسم بر جنبش انقلابی انترناسیونالیستی اثر سوء بر جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای کارگری در کشورهای مختلف جهان در قرن بیست و یکم بجا گذاشته و بحران در جنبش کمونیستی انقلابی (م-ل-م) عمیق تر شده و تا کنون ادامه دارد.

چنانکه قبلاً تذکار یافت با ضعف و پراکندگی جنبش کمونیستی بین المللی، سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع همدست آن حملات شان را علیه پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان خاصاً در کشورهای تحت سلطه در آسیا، افریقا و امریکای لاتین شدت بخشیدند. با ضعف جنبشهای انقلابی پرولتری و فقدان رهبری

انقلابی و مترقی خیزشهای آزادی خواهانه و مترقی توده های خلق و روشنفکران مترقی مردمی در کشورهای شمال افریقا و شرق میانه در پنج سال اخیر بوسیله نیروهای ارتجاعی اسلامی و نیروها و گروه های ارتجاعی دیگر که از حمایت امپریالیستهای امریکائی و اروپائی برخوردار بودند و هستند به شکست کشانده شده و نیروهای ارتجاعی اسلامی وحشی و جنایتکار بیش از پیش نیرومند شده اند. تداوم اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیسم امریکا و ناتو بر افغانستان و گسترش هر چه بیشتر وحشیگریها و جنایات گروه های ارتجاعی اسلامی طالبان، القاعده، "داعش" و دیگران در کشورهای افغانستان، لیبی، سومالی، سوریه، عراق و یمن، زمینه مداخلات نظامی و تسلط هر چه بیشتر امپریالیستهای جنایتکار و غارتگر امریکائی و ناتو متحدین بین المللی و منطقه ای آنها را زیر نام "جنگ علیه تروریسم اسلامی" خود ساخته شان علیه خلقهای این کشورها و سرکوب جنبشهای آزادی خواهانه و مترقی توده های مردم فراهم کرده است. اینها همه ناشی از ضعف جنبش کمونیستی بین المللی بطور عام و ضعف جنبشهای انقلابی پرولتری در این کشورها بطور خاص می باشد. لیکن با وجودیکه جنبش کمونیستی بین المللی دچار بحران است، مبارزات انقلابی پرولتاریا بشکل عالی آن (جنگ انقلابی خلق) در چند منطقه از جهان جریان دارند؛ از جمله جنگ خلق در کشورهای هند، فلپین، ترکیه (کردستان شمالی)، پیرو و مناطق دیگر. این مناطق منحصراً پایگاه های انقلابی نقطه های امید بخشی برای پرولتاریا و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی و مترقی در جهان اند. در این شرایط بازم این رسالت کمونیستهای انقلابی در کشورهای مختلف جهان است تا با مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی جدی علیه انواع رویزیونیسم و اشکال اپورتونیسم، مبارزه "بین دو خط" را بر مبنای "مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم" حدت بخشیده و از این طریق جنبش کمونیستی بین المللی را تقویت کرده و استحکام بخشند. با تقویت جنبش کمونیستی بین المللی جنبشهای انقلابی پرولتری در کشورهای مختلف جهان رونق گرفته و زمینه هر چه بیشتر پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش طبقه کارگر میسر می شود. با تبلیغ و ترویج ایده های انقلابی پرولتری توسط سازمانها و احزاب کمونیست انقلابی در بین طبقه کارگر و سایر خلقهای زحمتکش و رهبری مبارزات آنها، اندیشه های کمونیستی در کارزار مبارزه طبقاتی توده های خلق مادیت یافته و زمینه رشد و تکامل هر چه بیشتر آنها آماده می گردد. به حکم علم انقلاب پرولتری فقط طبقه پرولتاریا و دسته پیش آهنگ انقلابی آن (حزب کمونیست انقلابی) متشکل از کمونیستهای با ایمان و راستین می تواند انقلاب دموکراتیک نوین در کشورهای نیمه فئودالی و نیمه مستعمره و نیمه فئودالی و مستعمره و انقلاب سوسیالیستی را در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی رهبری کرده و آنها را به پیروزی برساند. این یگانه راه نجات پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش جهان از استثمار بیرحمانه و ستم و مظالم وحشیانه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر طبقات ارتجاعی است.

**- زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم!**

**- زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!**

**- مستحکم باد اتحاد و همبستگی پرولتاریا و خلقهای زحمتکش جهان!**

**- پرولتاریا و خلقهای ستمدیده در سراسر جهان متحد شوید و بر ضد سرمایه داری جهانی و امپریالیسم جنایتکار و غارتگر و ارتجاع همدست آن مبارزه انقلابی و مترقی را سرعت بخشید!**

**اول می 2016**

**( پولاد )**

